

مبانی فقهی اصل ۱۱ ق. ۱ با برویکردی بر ادله امکان وحدت مذاهب اسلامی از منظر

فریقین^۱

علمی - پژوهشی

زکيه ابراهيمزاده *

چکیده

اتحاد و یکپارچگی میان مذاهب اسلامی یکی از اصول مهمی است که مخالفان و موافقان وحدت مباحث مهمی را مطرح نمودند که در این نوشتار به مسأله امکان وحدت با توجه به نقد و بررسی ادله عدم امکان و امکان آن بر مبنای اصل یازده، پرداخته می‌شود. همچنین این مقاله به دنبال اعتبار سنجی امکان وحدت از منظر شیعه و اهل تسنن می‌باشد. حاصل این پژوهش آن است که مفهوم شناسی وحدت که از سوی طرفداران وحدت ارائه می‌شود و با معنایی که طرفداران عدم امکان وحدت و مخالفان تقریب بیان می‌کنند، متفاوت می‌باشد. معنای وحدت اسلام و تقریب مذاهب اسلامی، واحد شدن مذهب اسلامی و یا ابطال مذاهب اسلامی دیگر نیست؛ بلکه معنای وحدت و تقریب آن است که همه مذاهب اسلامی با تمامی گستردگی‌های عقاید و آراء آن، قابل احترام هستند که نتیجه آن تکیه بر نقاط مشترک و اتحاد همه مذاهب و فرقه‌های اسلامی برای اعتلای اسلام در مقابل دشمنان اسلام و دفاع همه جانبه از همه مسلمانان جهان می‌باشند. مهم‌ترین ادله امکان وحدت، آیات و روایات و عقل و تاریخ است.

واژگان کلیدی: تقریب مذاهب، وحدت، قرآن، امکان، روایت.

۱- تاریخ وصول: (۱۳۹۹/۱۱/۰۴) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۷/۱۰)

مقدمه:

هریک از اصول قانون اساسی به عنوان یک راهبرد و مسیر کلی برای قوانین پایین دستی خود می‌باشد. اصل یازدهم ق.ا مقرر می‌دارد: «به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایهٔ ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی‌گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».

یکی از مباحث مقدماتی ذیل وحدت و تقریب مذاهب، مسئله امکان وحدت است. در این مبحث، سؤال اینست که آیا میان همه مذاهب اسلامی با توجه به تفاوت دیدگاه و تمایزهایی که بینشان وجود دارد، وحدت امکان‌پذیر می‌باشد یا خیر؟ عده‌ای مخالف وحدت مذاهب اسلامی بوده و آن را توطئه دشمنان اسلام به جهت سست نمودن عقاید راستین و محکم مسلمانان داشته‌اند. البته مخالفان امکان وحدت، اختصاص به فرقه خاصی نیست و شیعیان مخالف وحدت فکر می‌کنند که این کار توطئه‌ای از سوی اهل تسنن می‌باشد و همچنین اهل تسنن مخالف می‌گویند که وحدت توطئه‌ای از سوی شیعیان می‌باشد که از منظر هر دو فرقه، وحدت سبب خراب نمودن عقاید آنها و مشتبه شدن میان حق و باطل است که منجر به ضلالت و گمراهی می‌شود.

در مقابل برخی دیگر از علمای شیعه و اهل تسنن با بهره جستن از آیات و روایات متعددی که بر لزوم اتحاد و عدم تفرقه میان مسلمانان بیان شده، وحدت میان مذاهب را امری لازم و غیر قابل اجتناب می‌دانند که در راستای تعامل و ارتباط میان هر یک از مسلمان‌ها با یکدیگر می‌باشند. همچنین علاوه بر آیات و روایات لزوم وحدت، هر یک از ائمه شیعه و اهل تسنن با یکدیگر مرادوات علمی داشته و با یکدیگر در تعامل بودند. در طول تاریخ نیز بسیاری از علمای شیعه و اهل تسنن مباحث علمی خود را به صورت تقریبی نگاشته و از منابع و مباحث یکدیگر در آثار علمی خود، استفاده می‌نمودند، چرا که هدفشان، اعتلای اسلام بوده است. بنابراین با توجه به اهمیت و جایگاه این بحث و بنیادی بودن آن و با در نظر گرفتن موافقان و مخالفان وحدت از سوی هر دو فرقه، شایسته است عدم امکان وحدت و امکان آن از سوی فریقین، به صورت تطبیقی بیان شود تا مباحث آن کاربردی و قابل طرح در مجامع علمی برای همه مسلمانان و علمای اسلامی باشد.

با توجه به تتبع نگارنده در رابطه با امکان فقهی وحدت، مقاله‌ای مستقل ارائه نشده است و تنها

به صورت پراکنده در مقالات و آثار متعدد به ادله وحدت و یا عدم وحدت اشاره شده است. از همین رو لازم است تا مقاله‌ای مستقل، به صورت فریقینی تدوین شود تا همه جوانب بحث، بررسی و تحلیل شود. بنابراین مباحث پیش رو در ذیل دو بخش ارائه می‌گردد: ۱. امکان وحدت ۲. عدم امکان وحدت. همچنین در هر دو بخش، به اقوال و ادله هر یک از نظریه‌ها به صورت فریقینی، اختصاص پیدا می‌کند.

۱. عدم امکان وحدت و دلایل آن:

مخالفت با تقریب مذاهب اسلامی و ادعای عدم امکان آن، از سوی مدعیانی از تشیع و تسنن مطرح شده است و تنها اختصاص به یک مذهب خاص ندارد. از این رو لازم است در مباحث پیش رو به ادله هر دو گروه اشاره شود و پس از آن، استدلال‌ها مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد.

الف. بدعت بودن وحدت: تقریب در شکل کنونی «بدعتی بزرگ» است که کفر و گمراهی را به همراه داشته و با اصول مسلم اسلامی در تضاد است و ملحد شدن به اسم اسلام را، به وجود می‌آورد (القفاری، ۱۴۲۸، ۲، ۲۷۷).

ب. هدف از وحدت، یکی شدن مذهب است و حاصل تقریب آن است که افراد هر مذهب از اصول و عقاید خود برگشته و از آن دست بردارند و یا اینکه مذهب خود را کم رنگ نمایند (عاملی، ۱۳۴۶، ۲۳؛ القفاری، ۱۴۲۸، ۲، ۲۷۸).

ج. در نگاه برخی از مخالفان تقریب، (رستگار جویباری، ۱۵۳) شعار هفته وحدت بین شیعه و سنی و تقریب ادیان و مذاهب و ... یک نقشه شیطانی برای خلط بین حق و باطل و تضعیف حق و تقویت باطل است که سرانجام به نابودی حق منتهی می‌گردد (مهریزی، ۱۳۸۹، ۵-۲۶).

د. تقریب، تلاشی از سوی عالمان شیعه، برای شیعه کردن اهل سنت است که ابتدا این تفکر از سوی شیعه مطرح شده تا به طور آهسته اهل تسنن را به سوی خود بکشاند و عقاید خود را القاء بنماید و از این طریق به مذهب شیعه، رسمیت و مشروعیت ببخشد؛ اما شیعیان فاسد العقیده‌اند و اتحاد با آنها معنا ندارد؛ یعنی نمی‌توان بین کفر و اسلام اتحادی ایجاد نمود و نزدیکی میان این دو محال است. تقریب گرایان معتقدند در اصول میان شیعه و اهل تسنن اختلافی نیست و بر همین اساس شیخ محمود شلتوت فتوا به جواز عمل به فقه شیعه را صادر کرد و شیعه آثارش را در سرزمین‌های اهل سنت رواج داد و برخی از منتسبان اهل سنت به آثار شیعه مراجعه و به گونه‌ای عمل کردند که گویا

کوتاهی از جانب اهل سنت بوده است و شیعه هیچ تقصیری در اختلاف امت نداشته و ندارد. حال آن‌که تمام اختلاف و تفرقه، به وسیله شیعه صورت گرفته و آنان بودند که راه درست را کنار نهادند و آن‌چه را علمای فرق و مذاهب گفته‌اند، مجرد وهم و خیال نیست. این که برخی گفته‌اند اختلاف اساسی میان شیعه و سنی وجود ندارد، این خود جلوگیری از انتشار دین حق است. (القفاری، ۱۴۲۸، ۷ - ۱۱)

بنابراین هدف از شیوع تفکر وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ترویج و نفوذ عقاید و افکار تشیع به مجامع علمی اهل تسنن است که منجر به اثبات حقانیت و مظلومیت شیعیان و همچنین سوق دادن آنها به سمت تشیع می‌شود؛ درحالی که همه شیعیان از اسلام منحرف هستند و آنها در واقع مسلمان نمی‌باشند (عاملی، ۱۳۴۶، ۲۷؛ القفاری، ۱۴۲۸، ۲، ص ۲۷۷ - ۲۷۸ و ۱، ۷ - ۱۱).

هـ ریشه و هدف تقریب، کم رنگ شدن عقاید شیعه و القای تفکر اهل تسنن در بلاد شیعه است. راهبرد وحدت، تضعیف و نابودی شیعه است؛ در حالی که همه مذاهب اسلامی به جز شیعه، باطل هستند. وحدت با مذاهب باطل، صحیح نیست و معنا ندارد که شیعه‌ای که بر حق است با مذاهب باطل، یکی شود. وحدت اسلامی از سوی سران اهل تسنن برای نفوذ در میان شیعیان شکل گرفته است. به عنوان نمونه اولین فردی که در این راه قدم برداشته شافعی امام سنیان است. علمای سنی مذهب از همان قدیم برای کم کردن اختلافات و مخصوصاً برای جلوگیری از نشر مذهب شیعه و ترویج آن، به فکر تقریب بین مذاهب افتادند و از راه‌های مختلف، وسیله آن را فراهم می‌کردند (عاملی، ۱۳۴۶، ۳۲).

و. تاریخ تقابلات شیعه و سنی و نیز بزرگان تشیع و تسنن: در طول تاریخ دو فرقه شیعه و سنی به دلیل وجود اختلاف‌های زیادی که از لحاظ عقیده و فرهنگ و خاستگاه، با یکدیگر داشته‌اند، در تقابل با یکدیگر بودند. از یک سو حکم تکفیر شیعیان از سوی اهل تسنن در قرن ششم و هفتم توسط غزالی و ابن تیمیه که در ذیل مباحث علمی مطرح شده است و از سویی دیگر جنگ‌هایی که از سوی سران دولت‌های تشیع و تسنن به وجود آمده، همانند جنگ چالدران که در اوایل قرن دهم میان دولت عثمانی و دولت صفویه واقع شده است؛ حاکی از عدم امکان وحدت میان مسلمانان می‌باشد (القفاری، ۱۴۲۸، ۲، ۴۵).

ز. تأویل ظهور آیه‌های وحدت: آیاتی که پیرامون وحدت مسلمانان هستند، در رابطه با کسانی

می‌باشند که با نور اسلام هدایت یافتند و نه اتحاد با کسانی که به اسم مسلمان هستند و در عمل، ضد اسلام می‌باشند. (همان، ۱، ص ۷) شیعه جزء فرقه‌های حق نیست، تا بتوان با آن تقریب کرد. به تعبیر دیگر، تقریب در جایی است که فرقه‌هایی بر حق در میان مسلمانان شکل گرفته باشند؛ ولی شیعیان به جهت عقاید خاص و ویژه‌ای که دارند، بر باطل‌اند، نه بر حق؛ از این رو جایی برای تقریب با آنها نیست (همان، ۱، ۳۸۹). شیعیان قرآن را بر غیر موضعش تأویل نموده و کلام آن را تحریف کرده و قائل به این هستند که کتاب‌های آسمانی بر ائمه شان نازل شده است. خلیفه اول و دوم و عایشه ام‌المؤمنین را کافر می‌دانند و همچنین طلحه و زبیر را که از بزرگان یاران رسول الله می‌باشند، کافر می‌دانند. شرک را توحید می‌نامند و امامت را نبوت می‌دانند و در پوشش تقیه مسلمانان را فریب می‌ده (القفاری، ۱۴۲۸، ۲، ۲۷۹).

نقد و بررسی ادله عدم امکان وحدت

به نظر می‌رسد مهم‌ترین نکته‌ای که قائلان عدم امکان وحدت به آن توجه ننموده‌اند این است که مفهوم شناسی وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی که از سوی طرفداران وحدت ارائه می‌شود، با معنایی که طرفداران عدم امکان وحدت و مخالفان تقریب بیان می‌کنند، متفاوت می‌باشد. یعنی وحدت نزد موافقان و مخالفان وحدت، دو مفهوم متفاوت از یکدیگر است، در نتیجه مدعا بر سر موضوع واحد نمی‌باشد. وحدت به معنای، واحد شدن مذهب اسلامی و یا ابطال مذاهب اسلامی دیگر نیست؛ بلکه معنای وحدت آن است که مذاهب اسلامی با تمامی گستردگی‌هایش و با همه اصول و عقایدی که برای آن لحاظ شده است، قابل احترام هستند و در بینش هیچ یک از اندیشمندان معتقد به وحدت، نفی یا ابطال مذاهب اسلامی وجود ندارد؛ منتهی هدف و نگرش و استراتژی مهمی که اندیشمندان معتقد به وحدت به دنبال آن هستند، تکیه بر نقاط مشترک و اتحاد همه مذاهب و فرقه‌های اسلامی برای اعتلای اسلام عزیز است؛ تا بتوانند در مقابل دشمنان، دفاعی همه جانبه از کیان همه مسلمانان جهان داشت.

تلاش اندیشمندان تقریب بر این است که متفکران جهان اسلام را نسبت به امکان وحدت مذاهب اسلامی متقاعد نمایند. مسلماً وقتی طرفین دریابند که منبع مشترک استنباط دین ایشان قرآن، سنت و عقل می‌باشد و بخش عظیمی از منابع و مبانی‌شان یکی است، تفاهمی میان دو دسته ایجاد خواهد شد، بدون اینکه این کار موجب تقلید یا پیروی کورکورانه یک طرف، از طرف دیگر شود

(صمیمی، ۱۳۸۶، ۱۸۷-۲۲۳). بنابراین نکته اول در وحدت، تکیه بر نقاط مشترک و پرهیز از دامن زدن به نقاط اختلاف است.

از همین رو در بینش امام خمینی (قدس سره) که از بینش اصیل قرآنی نشأت گرفته است، مسلمانان باید با هم ید واحد باشند: *وَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ يَدٌ وَاحِدَةٌ عَلَىٰ مَنْ سِوَاهُمْ...* (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸، ۱۰۴) و به صورت مجتمع بوده و خودشان را از هم جدا ندانند و با هم اتحاد پیدا کنند (خمینی، ۱۳۸۹، ۱۱، ۱۰۵). امام خمینی (ره) تأکید دارند که اسلام دستور داده است همه مؤمنین در همه جا برادر باشند؛ زیرا همواره اسلام امر کرده است تا مسلمانان به ریسمان الهی چنگ زنند و از هم متفرق نشوند و با هم تنازع نکنند. (همان، ۱۳، ۹۱-۹۲). همه تحت لوای اسلام و قرآن مجید مجتمع بشوند؛ زیرا آنطور که قرآن دستور داده است: «رحماء بینهم» و «اشدءاء» بر کفار باشند (اشاره به آیه ۲۹ سوره فتح دارد: *مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛* همان، ۹، ۲۷۳).

بنابراین فرقه‌های اسلامی با همکاری بر مبنای امور مشترک؛ همانند قرآن و سیره نبوی، به اتحاد و انسجام اسلامی دست یافته و از این طریق عظمت و قدرتی برای مسلمانان در مقابل دشمنان اسلام و مستکبران، به وجود می‌آید که ثمره این قدرت- که به پشتوانه قدرت الهی است- اینست که جامعه متحد اسلامی را شکست ناپذیر می‌کند که علاوه بر دفاع از همه مسلمانان جهان، توان دفاع از حقوق همه مستضعفان را نیز به دست می‌آورند.

از سویی دیگر باید توجه نمود که هر یک از دانشمندان و عالمان فرقه‌های اسلامی که سعی در اثبات حقانیت مذهب خودشان می‌باشند، لزوماً با وحدت اسلامی در تعارض نمی‌باشد؛ بلکه می‌توانند توجه کامل به مذهب خویش داشته باشد و در عین حال، قائل به وحدت اسلامی نیز باشد. بنابراین تلاش همه دانشمندان اسلامی که در راستای تحقیق و تألیف و اجتهاد مذهبی خود، سعی در رشد و اعتلای اسلام را دارند، مورد احترام هستند؛ یعنی اگر مبنای علمی آنها در تحقیق و تألیف و اجتهاد در جهت برابری و برادری و احکام حقه اسلامی باشد، منافاتی با وحدت و تقریب مذاهب ندارد. و این معنای وحدت، همان سخنی است که پیش‌تر بدان اشاره شد که تقریب به معنای یکی شدن مذاهب و دست کشیدن از مذهب خویش و خود را متمایل به مذهب طرف مقابل کردن نیست.

علامه امینی یکی از دانشمندان شیعه که عمر با برکت خویش را در جهت اثبات ولایت حضرت علی (علیه السلام) صرفاً با منابع اهل سنت قرار داده است؛ یکی از عوامل مهم وحدت به شمار می‌-

رود. ایشان در مقدمه جلد پنجم از کتاب شریف الغدير، تحت عنوان نظریه کریمه - به مناسبت یکی از تقدیر نامه‌هایی که از مصر، درباره الغدير رسیده است - نظر خود را در این موضوع کاملاً روشن می‌کنند. ایشان معتقدند رشته اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله *انما المؤمنون اخوة* بدان تصریح کرده، با اظهار عقاید و آراء درباره مذاهب اسلامی، هرگز پاره نمی‌شود. به نظر ایشان، از نگاه نویسندگان اسلامی هر چه کار مباحثه علمی و مجادله کلامی و مذهبی به اوج خود برسد، رشته برادری‌شان از بین نرفته است؛ چرا که سیره سلف و در رأس آنها صحابه و تابعین همین بوده است. میان مؤلفان و نویسندگان جهان اسلام با همه اختلافی که در اصول و فروع با یکدیگر دارند، یک جامع مشترک وجود دارد و آن، ایمان به خدا و پیامبر خداست. در کالبد همه مؤلفان اسلامی یک روح و یک عاطفه حکم فرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است. مؤلفان اسلامی همه در زیر پرچم حق زندگی می‌کنند و در تحت قیادت قرآن و رسالت نبی اکرم انجام وظیفه می‌نمایند. پیام همه آنان این است که: «ان الدین عند الله الاسلام» و شعار همه «ما لا اله الا الله و محمد رسول الله» است. آری همه نویسندگان اسلامی، حزب خدا و حامیان دین او محسوب می‌شوند (امینی نجفی، ۱۴۱۴، ۵، ۶-۵).

غدير و کتاب الغدير از اموری هستند که مذاهب را به یکدیگر نزدیک می‌کنند. سخن دانشمندان اسلامی غیر شیعه به خوبی مؤید این واقعیت است: محمد عبدالغنی حسن مصری، در تقریظ خود بر الغدير که در مقدمه جلد اول، چاپ دوم، این چنین می‌گوید:

«از خداوند مسئلت می‌کنم که برکه آب زلال شما را (غدير در عربی به معنای برکه آب است) سبب صلح و صفا میان دو برادر شیعه و سنی قرار دهد که دست به دست هم داده، بناء امت اسلامی را بسازند» (همان، ۱، ۶).

عادل غضبان مدیر مجله مصری الکتاب در مقدمه جلد سوم می‌گوید: «این کتاب، منطق شیعه را روشن می‌کند و اهل سنت می‌توانند به وسیله این کتاب شیعه را به طور صحیح بشناسند. شناسایی صحیح شیعه سبب می‌شود که آراء شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند» (همان، ۳، ۱۰).

دکتر عبدالرحمان کیالی حلبی، در تقریظ خود که در مقدمه جلد چهارم الغدير چاپ شده، پس از اشاره به انحطاط مسلمین در عصر حاضر و اینکه چه عواملی می‌تواند مسلمین را نجات دهد، اشاره به

این نکته می‌کند که شناخت صحیح وصی پیغمبر اکرم یکی از آن عوامل است، می‌گوید: «کتاب الغدير و محتویات غنی آن، چیزی است که سزاوار است هر مسلمانی از آن آگاهی یابد، تا دانسته شود چگونه مورخان کوتاهی کرده‌اند، و حقیقت کجاست. ما به این وسیله باید گذشته را جبران کنیم و با کوشش در راه اتحاد مسلمین به اجر و ثواب نایل گردیم» (همان، ۴، ۷-۱۱).

از مباحث ارائه شده دانسته می‌شود که هریک از عالمان دینی با هر گرایش مذهبی که در آنان وجود دارد، می‌توانند در مسائل علمی پیرامون اصول یا فروع دین، با یکدیگر تبادل نظر نموده و از مبانی همدیگر آگاه شده و با تکیه بر ادله و منابع مشترکی که وجود دارد، زیربنای دین اسلام را محکم نموده و به امت اسلامی، استحکام ببخشند و آنها را در صف واحد قرار دهند. بنابراین عالمان مذهبی که نگاهی دلسوزانه و در عین حال قدرتمندانه به امت مسلمان دارند، با اتکاء از منابع اصیل اسلامی همانند قرآن و سیره نبوی و... در کنار سایر علمای مذهبی از فرقه‌های دیگر، به بحث تبادل نظر در مسائل علمی بپردازند و در مقابل دشمنان اسلام، با نوای اتحاد و همبستگی اسلامی، قدرت و نفوذ اسلام را در منطقه و جهان مضاعف نمایند. البته علمای اسلام می‌بایست هوشیار بوده و با عدم دامن زدن به اختلاف‌های مذهبی داخلی همانند اختلاف در فروع مسائل فقهی، نقشه‌های دشمنان را نابود سازند.

۲. امکان وحدت و دلایل آن

به نظر می‌رسد وحدت مذاهب اسلامی به معنای مختار نه تنها ممتنع و محال نیست؛ بلکه ممکن، شدنی و ضروری است. امکان وحدت مستند به دلایل نقلی- قرآنی و روایی- عقلی و تاریخی است. در ادامه برخی از مهم‌ترین دلایل امکان وحدت اسلامی اشاره می‌شود.

الف: کتاب

وحدت اسلامی امری است که مورد توجه قرآن قرار گرفته و وظیفه دینی می‌باشد که متوجه همه مسلمانان می‌باشد. آیاتی که پیرامون ادله امکان وحدت مطرح می‌شوند به دو امر اشاره دارند:

الف. وحدت کلمه مسلمانان

ب. پرهیز از تفرقه و جدایی در میان مسلمانان.

از آنجایی که امر به محال از سوی خداوند حکیم، قبیح است، در نتیجه اتحاد مسلمانان امری ذاتاً ممکن تلقی می‌شود که متعلق امر خدا قرار گرفته است. در آیات متعددی که بر لزوم اتحاد و عدم

تفرقه تأکید شده است. از ظهور این آیات، اوامر خدا پیرامون اتحاد فهمیده می‌شود. برخی از آیات امکان وحدت عبارتند از:

۱. وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ (آل عمران ۳، آیه: ۱۰۳) «و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام) و هرگونه وسیله وحدت چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکتِ نعمتِ او برادر شدید»

در این آیه خداوند همه مسلمانان را به اتحاد و پرهیز از اختلاف و تفرقه دعوت می‌نماید؛ چرا که خداوند اتحاد و برادری را نعمتی از سوی خداوند و تفرقه را عذابی دردناک می‌داند. اعتصام به حبل‌الله و عدم تفرقه، به معنای امکان وحدت است؛ چون دستور به انجام امر محال قبیح است. در روایات مختلف مواردی چون کتاب قرآن، اسلام و اهل بیت (علیهم‌السلام) به عنوان مصادیق «حبل‌الله» یاد شده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ۲، ۶۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۲، ۲۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳، ۲۹). برخی با امکان تجمیع همه این مصادیق معتقدند که: «منظور از ریسمان الهی هرگونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند است خواه این وسیله اسلام باشد یا قرآن یا پیامبر و اهل بیت او و به عبارت دیگر تمام آنچه گفته شد در مفهوم وسیع ارتباط با خدا که از معنی بِحَبْلِ اللَّهِ استفاده می‌شود، جمع است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳، ۲۹).

خطاب در این آیه متوجه همه افراد جامعه اسلامی است و دلیلش قید «جَمِيعًا» و «لَا تَفَرَّقُوا» است و به جامعه اسلامی دستور می‌دهند که به کتاب و سنت برای اتحاد خود، چنگ بزنند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۳، ۳۷۱). «اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» در مقام بیان علت اتحاد است و می‌فرماید که دلیل بر اینکه شما را بدان دعوت کرده‌ایم، آن است که شما با چشمان خود فواید اتحاد و اجتماع و زشتی و تلخی دشمنی و شیرینی محبت و الفت و برادری را چشیدید که در اثر تفرقه در لبه پرتگاه آتش رفتید و در اثر اتحاد و دوستی از آتش‌رهایی یافتید و بدانید این تمسک به حبل‌الله و اتحاد شما نعمتی است از ناحیه ما و در نتیجه آگاه می‌شوید که تمامی دستورات ما، مثل این دستور، به نفع شما است که سعادت و رفاه و رستگاری شما را تأمین می‌نماید (همان، ۳۷۰-۳۷۱).

منظور از وحدت در آیه شریفه این است که مسلمانان باید به یک اصولی تمسک جویند که مورد

قبول و اتفاق همه فرق اسلامی نیز باشد و آن عبارت است از اصل توحید، اصل نبوت و اصل معاد (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۱، ۲). پس اگر مسلمانان به قرآن و آورنده آن تمسک جویند، می‌توانند به همگرایی و وحدت دست یافته و از جهل و نادانی و افتادن در چاه غرائز که نتیجه تفرقه و اختلاف است، نجات یابند. امام خمینی، با تمسک به این آیه شریفه، مسلمانان را با یکدیگر به برادری فرا می‌خواند که باید به ریسمان الهی چنگ بزنند و متفرق نشوند و با هم تنازع نکنند (خمینی، ۱۳۸۹، ۱۳، ۹۱-۹۲).

۲. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ (حجرات ۴۹، آیه: ۱۰).

مفسران خاصه و عامه در تفسیر این آیه، مسلمان را برادر مسلمان می‌دانند و اطلاق این آیه را بر هر یک از طائفه‌های مسلمانان، الزام آور می‌دانند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ۲۶، ۲۰۴). و بر برادران دینی لازم است تا یکدیگر را یاری کنند (دخیل، ۱۴۲۲، ۶۹۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۹، ۲۰۰). فخر رازی در توضیح اینکه چرا خداوند مسلمانان را برادر دینی نامیده است، می‌گوید که برادر دینی تأکید و اهمیت بیشتری بر برادر نسبی دارند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۸، ۱۰۶). پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در خطبه منی که در حجه الوداع واقع شده بود، فرمودند: «مسلمانان با یکدیگر برادر هستند... و آنها (مسلمانان) در برابر دشمن مشترک، بسیج شوند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷، ۶۷-۶۸).

در تفسیر روض الجنان در اهمیت برادری دینی، به روایتی از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اشاره شده است:

«ابو هریره روایت کرد که رسول (علیه السلام) گفت: مسلمان برادر مسلمان است. نباید تا بر او ظلم کند یا او را عیب کند یا او را رها کند یا بنیان یا دیوار از بالای سر او ببرد تا باد بر او ضرر برساند مگر به دستور او. مسلمان را به بوی خوردنی نرنجاند چون دیگ (غذایی) پزد و بوی او به او رسد باید او را نصیب [دهد] و اگر برای کودکان خود میوه بخرد و کودکان همسایگان ببینند، ایشان را نصیب دهد» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۱۸، ۲۳-۲۴).

در این دو روایت، دو شخص مسلمان باید به نحوی با یکدیگر نزدیکی و برادری داشته باشند که علاوه بر اینکه همدیگر را ناراحت و اذیت نمی‌کنند؛ در پی رفع نیاز و حوائج زندگی یکدیگر نیز باشند، به صورتی که اگر برای خود و خانواده خود غذایی فراهم می‌نماید، بر همسایگان مسلمان خود نیز همان غذا را در صورت آگاهی از آن، فراهم نماید تا همه مسلمانان تحت عنوان یک خانواده بزرگ

اسلامی، قرار بگیرند و به هم‌گرایی و وحدت در جامعه اسلامی دست یابند. از نظر علامه امینی، مبنا و دلیل وحدت اسلامی، آیه شریفه فوق می‌باشد همان‌گونه که بیان شد رشته اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله «انما المؤمنون اخوة» بدان تصریح کرده است، با اظهار عقاید و آراء درباره اصول و فروع و عقاید مذاهب اسلامی، از بین نمی‌رود. مبنای ایشان بر امکان وحدت این است که مؤلفان اسلامی همه تحت قیادت قرآن و رسالت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) انجام وظیفه می‌کنند: «ان الدین عند الله الاسلام» و شعار همه ما «لا اله الا الله و محمد رسول الله» است (امینی نجفی، ۱۴۱۴، ۵-۶).

در آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» مساله برابری در حقوق را به برادری تعبیر فرموده، اشاره به این نکته است که دو برادر دو شاخه از یک تنه هستند که جدا و منشعب گشته‌اند و این دو شاخه در همه شؤون مربوط به اجتماع خانواده خود، برابر هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۹، ۱۵۹). برادر بودن مؤمنان در قرآن کریم، به صورت مجاز و استعاره نیست؛ بلکه آثاری بر آن مترتب است. برادر بر دو صورت قابل تصور است:

۱. برادر طبیعی که از یک پدر و مادر می‌باشند.

۲. برادر اعتباری که در برخی از امور اجتماعی نسبت به یکدیگر مسئولیت اجتماعی دارند. از نظر علامه طباطبایی قرآن برادری نامیدن را از باب مجاز و استعاره نبوده است؛ بلکه یک نحوه برادری جدی و دارای آثار عقلانی و دینی است که در کلام رسول الله بطوری که نقل شده است که مردم با ایمان نسبت به هم برادرند، و پائین‌ترین ایشان تا جایی که بتوانند و مقدورشان باشد، به هم کمک می‌کنند و همگی آنها دست واحدی هستند بر علیه دشمن. (همان)

۳. «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ (انفال ۶ آیه: ۴۶). «و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است»

۴. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ (آل عمران ۳، آیه: ۱۰۵). «و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند، و برای آنان عذابی سهمگین است»

در این دو آیه سستی و شکست را به عنوان لازمه تنازع و کشمکش در میان مسلمانان بیان شده است. پراکندگی و تفرق سبب از بین رفتن عظمت مسلمانان می‌شود. این دو آیه شریفه به خوبی دلیل بر امکان وحدت بر مبنای عدم تفرقه، در میان امت اسلامی را گوشزد می‌کند.

۵. *وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوا* (مومنون ۲۳، آیه: ۵۲). «و این امت شما امت

واحدی است و من پروردگار شما هستم پس از مخالفت فرمان من بپرهیزید»

چنان‌که مشاهده می‌شود در آیه فوق بر مسأله وحدت بر مبنای پرهیز از تفرقه در جامعه اسلامی تأکید شده است. در واقع خداوند امت اسلام را به عنوان امت واحد در نظر گرفته که خود را به عنوان «رب» آن بیان می‌کند.

ب: سنت

منظور سنت که به عنوان یکی دیگر از ادله امکان وحدت، قابل طرح می‌باشد، روایت‌ها (سخنان و دستورها) و سیره عملی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و آله) به نزد اهل سنت و پیامبر و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نزد شیعه می‌باشد که در منابع روایی بیان شده و به دست ما رسیده است. از جمله بهترین نمونه‌های سنت عملی وحدت که حاکی از مشروعیت و امکان وحدت می‌باشد، توجه به سنت و سیره پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم) و امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) است. بیان و رفتار حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله) در مورد برادری بین مسلمانان که در طول ۲۳ سال ابلاغ رسالت الهی برای آن کوشش وافر می‌کرد، اهمیت موضوع و وظیفه مسلمانان در نزدیک شدن هر چه بیشتر به یک‌دیگر را نشان می‌دهد. اخوت اسلامی عنصر ایجاد امت واحد و امت واحد، اساسی‌ترین پایه نظام سیاسی اسلامی است.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله) برای آن که اسلام تازه متولد شده را در برابر خطرها و تهدیدها و توطئه‌های تفرقه افکنانه دشمن بیمه کند، در نخستین روزهای هجرت در مدینه با ایجاد «پیمان مؤاخات» بین مسلمانان، گامی مهم و سرنوشت ساز را برای ایجاد حکومت اسلامی و نیز نظام سیاسی اسلام در آینده نزدیک برداشت و در پرتو برکات پربار آن نه تنها اسلام را از اساس بر پایه محکمی بنا نهاد؛ بلکه با تأکیدها و راهنمای‌های بعدی خویش، سیاست داخلی حکومت اسلامی را بر مبنای وحدت و اخوت اسلامی قرار داد و به این ترتیب، از ایجاد هر گونه اختلاف و تفرقه بین مسلمانان جلوگیری نموده است. (بزرگی، ۱۳۸۴). پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله) با بهره‌گیری از عوامل و

محورهای وحدت و مبارزه با عوامل اختلاف، توانست امت منسجم ایجاد نماید. اصول و مبانی اخوت اسلامی را که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بدانها تأکید داشت می‌توان در موارد ذیل شناسایی کرد: ایمان به خدای یکتا، نفی هر گونه برتری و تبعیض، رعایت حقوق دیگران و احترام به آن، دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان او، وفا به عهد، کمک و یاری به مسلمانان. (همان) همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در خطبه منی که در حجه الوداع واقع شده بود، فرمودند: «خون مسلمانان با هم برابر است و اگر یکی از آنان به کسی پناه یا امان داد، دیگران باید به آن تعهد پایبند باشند و همه در برابر دشمن مشترک، بسیج شوند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷، ۶۷-۶۸).

همچنین سخنان فراوان و تلاش عملی درخشان حضرت علی (علیه السلام) در دوره بیست و پنج ساله‌ای که از مقام امامت ظاهری و خلافت جامعه اسلامی دور بودند، خود از بهترین شواهد لزوم وحدت در میان جامعه اسلامی و میان فرق گوناگون است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه در ضرورت وحدت چنین می‌فرماید: «بهترین مردم درباره من مردم معتدل هستند، پس ملازم راه وسط باشید و با اکثریت همراه شوید، که دست خدا بر سر جماعت است و از تفرقه و جدایی پرهیزید، که جدا شده از مردم بهره شیطان است، چنان که گوسفند دور مانده از گله نصیب گرگ است. آگاه باشید کسی که به این شعار (تفرقه) دعوت کند او را بکشید گرچه زیر عمامه من باشد» (نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ۱۸۵-۱۸۴؛ ترجمه انصاریان، ۲۸۶).

دلالت آشکار سیره عملی حضرت علی (علیه السلام) بر حفظ وحدت جامعه اسلامی برخی از اندیشمندان را بر آن داشته که او را بنیان‌گذار تقریب بین مذاهب اسلامی قلمداد کنند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۵۴، ۲۰۷).

همواره اتحاد امت اسلامی در کلام و عمل امامان شیعه و اهل تسنن در طول تاریخ غیر قابل انکار بوده است، به طوری که بنابر ادعای مجلسی «امثال این اخبار (وحدت) بسیار وارد شده است» (مجلسی، ۱۴۱۴، ۴، ۴۱۳). به عنوان نمونه در روایتی صحیح از زید منقول است که حضرت امام جعفر صادق (صلوات الله علیه) به او فرمودند: «ای زید با سنیان یا اعم معاشرت کنید به طریق ایشان در مساجد ایشان نماز کنید و بیماران ایشان را عیادت کنید و به جنازه ایشان حاضر شوید... هرگاه چنین معاشرت می‌کنید می‌گویند که این جماعت شیعیان جعفرند حق سبحانه و تعالی رحمت کند جعفر را چه نیکو تأدیب می‌فرماید اصحاب خود را، و چون ترک می‌کنید این طریقه معاشرت خوب را با ایشان

و ترک اینها می‌کنید می‌گویند این جماعت اتباع جعفرند خدا او را جزا دهد، اصحاب خود را، چه بد تربیت می‌کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳۸۳).

در میان ائمه اهل تسنن نیز علائمی دال بر نفی تعصب‌های بی‌جا و اظهار ارادت به ائمه اطهار (علیهم السلام) به چشم می‌خورد که نمونه آن روایتی است که مرحوم شیخ صدوق در کتاب خصال از مالک بن انس، فقیه و امام مذهب مالکی نقل می‌کند: «مالک بن انس، فقیه مدینه (و پیشوای مذهب مالکی) می‌گوید: نزد جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) وارد می‌شدم و او مخدّه و بالشت برای من می‌گذاشت و به من احترام می‌کرد و می‌گفت: ای مالک من تو را دوست دارم و من از این اظهار محبت او شادمان می‌شدم و خدا را بر این محبت، حمد و سپاس می‌گفتم... من یک سال با او به حج رفتم، هنگامی که موقع احرام بر مرکب خویش نشست. هر دم که می‌خواست تلبیه بگوید صدایش در گلویش قطع می‌شد و نزدیک بود که از مرکبش بیفتد. پس به او گفتم: ای پسر پیامبر، لیبک بگو که به ناچار باید بگویی، او گفت: ای ابن عامر، چگونه جسارت کنم که بگویم: «لبیک اللهم لیبک» و من می‌ترسم که خداوند به من بگوید «لالیبک و لاسعدیک» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۱، ۱۶۷ - ۲۱۹).

همچنین موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که ابوحنیفه از امام صادق (علیه السلام) سؤالات و مشکلات فقهی خودشان را حل می‌نمودند و به طور پیوسته با ایشان در مراده و رفت و آمد بودند (بروجردی، ۱۳۸۶، ۲۶، ۶۵؛ همان، ۴۷۷).

بنابراین در حوزه تعلیماتی اسلام نه تنها اتحاد امکان پذیر است، حتی همبستگی پیروان همه ادیان الهی امکان دارد؛ چنانچه در قرآن همه پیروان ادیان الهی به وحدت فراخوانده شده اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲، ۵۹۳). *قل یا أهل الکتاب تعالوا إلی کلمة سواء بیننا و بینکم أآ نعبد إلهاً و لا نشرک به شیئاً... □*؛ (آل عمران ۳، آیه ۶۴). اگر چنانچه اتحاد امکان پذیر نبود، معنا ندارد که خداوند همه پیروان ادیان الهی را به وحدت دعوت کند؛ زیرا ملاک تکلیف شدن انسان، فرع بر امکان آن می‌باشد. همچنین در آیات دیگر یکی از وظایف انبیاء رفع اختلافات و ایجاد امت واحده بیان شده است. *کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشّرين و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه... فهدی الله الذین ءامنوا لما اختلفوا فیه من الحق یأذنه... □*؛ (بقره ۲، آیه: ۲۱۳).

ج. دلیل عقلی و تاریخی:

تأمل در تاریخ جوامع انسانی و تحلیل عقلانی آن به ما ثابت می‌کند که هر اجتماعی که در طول

تاریخ به گونه‌ای انسجام یافته و تحت لوای اندیشه‌ای واحد عمل کرده موفقیت بیشتری داشته است. این امر نیز از سنن الهی است و تعبیر مشهور «یدالله مع الجماعه» به همین سنت الهی اشاره می‌کند. تاریخ اسلام شاهد پیروزی‌های بزرگی همچون فتح سرزمین‌های پهناور، گسترش جغرافیای اسلام، شکل‌گیری تمدن اسلامی در سایه اندیشه و رفتارهای هم‌گرایانه و تقریبی و در مقابل شاهد شکست‌هایی چون زوال تمدن اسلامی و عقب ماندن و انحطاط جوامع اسلامی و جنگ و خونریزی در دوره‌های دوری از یکدیگر و عدم تحمل همدیگر بوده است. به عبارت دیگر تأمل در تاریخ اسلام و اصولاً تاریخ تمامی جوامع انسانی به خوبی گویای منافع وحدت و مضرات اختلاف و تفرقه است و به حکم عقل، انسان‌ها هم به لحاظ وظیفه فردی و به جهت وظیفه جمعی باید در مسیر رسیدن به منافع تلاش کنند و بر این اساس وحدت مذاهب اسلامی و حرکت برای تحقق امت واحد اسلامی به ضرورت عقل اثبات می‌گردد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۷، ۱۰۷).

بنابر قاعده معروف «ادلّ دلیل علی امکان شیء، وقوعه» «بهترین بر امکان چیزی، واقع شدن آن شیء است» با توجه به سیره معصومین (علیهم السلام) و ائمه اهل تسنن، سخنی در امکان وحدت باقی نمی‌ماند. گفتنی است که فقهای شیعه با تدریس و تألیف فقه مقارن و تطبیقی میان شیعه و اهل تسنن، از قدما تا متأخرین و معاصرین، در واقع با به رسمیت شناختن مذاهب اسلامی و آراء و مبانی آنها، سعی در وحدت علمی میان مذاهب اسلامی و همزیستی مسالمت‌آمیز با مذاهب اسلامی را داشته‌اند. البته لازمه طرح مباحث مقارنی، پذیرش و قبول نظرات و دیدگاه‌های مذاهب اسلامی نمی‌باشد؛ بلکه به نظر می‌رسد مراد از طرح مباحث مقارن، آشنایی جامع با منابع حدیثی و نظری و فضای صدور روایت‌ها می‌باشد که سبب وسعت دید فقها و اندیشمندان مسلمان می‌شود و در نتیجه اجتهاد پویا و قدرت استدلال فقیه را تقویت می‌نماید.

علاوه بر آن، در حدود دو قرن بعد از عصر حضور ائمه (علیهم السلام)، ابن جنید اسکافی در میان فقهای شیعه؛ بلکه فقهای اسلام نخستین، فقهی بود که نگاشته‌ای به نام «علم‌الخلاف» یا فقه مقارن را فراهم آورده است. او تهذیب را نگاشت و دیدگاه‌های عامه را در کنار دیدگاه‌های فقهی شیعه و با ذکر استدلال هر دو گروه، جمع‌آوری نموده است. پیدایش و بالندگی فقه مقارن را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد و به بوته بررسی نهاد:

۱. آغاز پیدایش و مکان آن: آغاز سده پنجم در بغداد به دست توانای سید مرتضی

علم‌الهدی، با نگارش کتاب انتصار.

۲. دوره کودکی: نیمه سده پنجم به وسیله شیخ طوسی، بانگارش کتاب گسترده مبسوط و

خلاف.

۳. دوره بالندگی و جوانی: سده هشتم در حله به همت توانای علامه حلی، در گذشته به سال

۷۲۶ ق، با نگارش کتاب‌های تذکره الفقهاء و منتهی المطلب.

۴. مرحله بعدی در دوران معاصر: در نجف اشرف به دست گروهی از فاضلان و

اندیشمندان آن حوزه در سده چهاردهم مانند: سیدمحمدتقی حکیمی نجفی و شیخ محمد جواد مغنیه لبنانی (فاضل استرآبادی، بی‌تا).

از سویی دیگر در میان فقهای اهل تسنن نیز آثار متعددی وجود دارد که مباحث خودشان به صورت مقارن و تطبیقی بیان نموده‌اند. نهضت جدیدی در مکتب فقه سنی در یک قرن اخیر به دو صورت شکل گرفته است که منجر به عصر نهضت جدید فقه اسلامی و بازشدن باب اجتهاد در مباحث فقهی اهل تسنن به شمار می‌رود: نخست بصورت بهره‌گیری از فقه برای قانون‌گذاری و بررسیهای حقوقی در کشورهای اسلامی که همزمان با نهضت سیاسی قرون اخیر پا گرفت و منادیان تشکیل حکومت اسلامی از آنجا که از نظر تشکیلاتی و استقرار حاکمیت اسلام نیاز به مواد قانونی در قسمت‌های مختلف حقوقی داشتند به این نهضت گرویدند و فقهای اهل تسنن در این زمینه گام‌های مؤثری برداشتند. تدوین مجله در دوران عثمانیها در همین راستا بود و پس از تجزیه امپراطوری و استقلال کشورهای اسلامی، علمای هر کشوری گاه بصورت رسمی و دولتی و گاه بصورت آزاد به این گرایش پیوستند.

دوم حرکتی در جهت فتح باب اجتهاد و شکستن انحصار مذهبی و اعلام فتاوی جدیدی که با آراء مذاهب چهارگانه ناسازگار بود. این حرکت گرچه در نیمه دوم قرن حاضر به دلایل سیاسی از مصر آغاز شد ولی نقطه نظرات شیخ محمود شلتوت مفتی و رئیس سابق دانشگاه الازهر مصر و فتاوی تاریخی وی که مسلمین را در انتخاب مذهب فقهی آزاد اعلام می نمود و تقلید از مذاهب فقهی غیر از مذاهب اربعه را جائز می شمرد، تأثیر فراوانی در این حرکت داشت، و هم او سه طلاق در یک مجلس را بر خلاف مذاهب اربعه، موجب حرمت و احتیاج به محلل نشمرد و در چند مورد دیگر بر طبق فتاوی شیعه فتوا صادر نمود.

همچنین به دنبال حرکت آگاهانه برخی از فقهای اهل تسنن در زمینه شکستن انحصار مذهبی، گرایش به فقه مقارن (فقه تطبیقی) رونق گرفت و مسلک التقاط و اقتباس آراء فقهی متقن از مذاهب مختلف را رواج داد، و به این تفکر قوت بخشید. تألیف کتابهای فقهی جدید مانند الفقه الاسلامی فی ثوبه الجدید و المدخل الفقهی العام، نوشته استاد مصطفی زرقاء و الفقه الاسلامی و ادلته، تألیف دکتر وهبه زحیلی نشانگر تحول چشمگیر در فقه سنی است.

از همین رو تدوین و نگارش مجموعه‌های بزرگ و پرارزش فقهی (موسوعات فقهی) در یک قرن اخیر به تألیف در آمده است که از آن جمله می‌توان موارد زیر را نام برد: موسوعه الفقه الاسلامی دانشگاه دمشق (شروع به سال ۱۹۵۶) و موسوعه ابن حزم بنام معجم فقه ابن حزم الظاهری (شروع به سال ۱۹۶۶) و موسوعه الفقه الاسلامی که در مصر توسط شورای عالی امور اسلامی در قاهره تحت عنوان موسوعه عبد الناصر در زمان ریاست جمهوری جمال عبد الناصر آغاز گردید و الموسوعه الفقهیه کویت که به سال ۱۹۶۷ توسط استاد مصطفی زرقاء شروع شد و پیشنهاد تنظیم الموسوعه الفقهیه الموحده که توسط برخی از نویسندگان فقه اسلامی مطرح شده است (زنجانی، ۱۴۲۱، ۲، ۲۸-۳۱).

این تنها بخشی از مباحث ارائه شده پیرامون تقریب مذاهب در فقه محسوب می‌شود که از موارد اقدام عملی، در راستای فقه تقریبی و وحدت علمی و عملی میان مذاهب اسلامی، به شمار می‌رود که به صورت مکتوب به دست ما رسیده است. همه این شواهد از سوی خاصه و عامه حاکی از آن است که وحدت مذاهب بدون هیچ‌گونه محذوریت و محدودیتی قابل طرح می‌باشد و هیچ‌گونه توطئه و دشمنی درامکان و اجرای وحدت مذاهب اسلامی وجود ندارد. علاوه بر آن بسیاری از فقها کرسی‌های تدریس فقه مقارنی داشتند که آثار آنان به صورت مکتوب منتشر نشده است، همانند تدریس فقه مذاهب خمس شهید اول و شهید ثانی و در میان معاصرین نیز می‌توان به درس آیت الله بروجردی اشاره نمود. مشابه فقه مقارن در علوم دیگری همانند رجال و درایه و حدیث و تفسیر و... به صورت مقارن و تطبیقی، واقع شده که نوشتار مفصلی می‌طلبد و از باب مثال تنها به بررسی فقه مقارن، در این فقره از نوشتار، اشاره شده است.

شواهد تاریخی فراوانی بر لزوم اتحاد میان مسلمانان وجود دارد که در صورت اتحاد به پیروزی رسیده و در صورت فقدان آن با شکست سنگینی مواجه شدند. به عنوان مثال در زمان حضور امام موسی صدر در لبنان، اقدامات مؤثر و ارزشمند وی چون «نامه به مفتی اهل سنت لبنان» یا راه‌کار وی

برای «وحدت فقهی» و یا تلاش‌های متعدد وی در عرصه داخلی لبنان که جهت مقابله با نزاع و کشمکش‌های داخلی و برقراری وحدت ملی بود، ارزیابی گردد. امام صدر با مطرح ساختن گفتمان مسلمین و مسیحیان، در راه وحدت و تفاهم میان ادیان گام برداشت. نتیجه این اقدامات و تلاش‌ها محبوبیتی روزافزون بود که او را نه تنها به عنوان رهبر مسلمین بلکه به عنوان رهبری برای تمام دین‌داران، به ویژه در لبنان، بدل ساخت. مسئله فلسطین و مقاومت در برابر اسرائیل از مسائلی بود که امام صدر آن را به عنوان هدفی مشترک و میهنی نه تنها برای مسلمین بلکه برای تمامی دین‌داران مطرح ساخت و از این طریق نیز زمینه‌ساز وحدت بین مسلمین و دین‌داران گردید (اخگری، ۱۳۸۷، ۹۳-۱۰۸). صدر از عناصر ملیت، قومیت و دین و مذهب برای ایجاد وحدت در لبنان سود جسته است. راهکارهای وی برای وحدت بخشی به مردم: آگاهی بخشی، دعوت به حفظ حاکمیت ملی، مخالفت با فرقه‌گرایی و تجزیه کشور، تلاش برای تقریب مذاهب و میانجی‌گری برای رفع اختلافات بوده است. وی تعدد فرق را امتیاز لبنان تلقی کرده و آن را راهی برای تعامل بیشتر انسانها و شکوفایی تمدن بشری دانسته است (عبدلی، ۱۳۹۴، ۵۷۳-۵۸۶).

۳. اقوال فقها در مسأله اتحاد و اخوت میان مسلمانان

بررسی تعاریف عدالت فقهی، در مذاهب اسلامی - همگرایی مذاهب اسلامی در مفهوم عدالت فقهی و ارائه ی تعریف و معیار واحد برای آن، در وحدت ادبیات فقه مذاهب اسلامی، می توان بیان داشت که عدالت، تنها و تنها، دارای یک معنی است؛ امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر. (فغانی، زارعی، ابراهیمی، ۱۴۰۰، شماره ۶۵، ۲۴۳ - ۲۱۳). با توجه به آنکه فقها به مسأله وحدت همانند مسائل ابواب طهارت و صلاه و... برخورد نکردند؛ بلکه به هریک از تعاملات شیعیان با اهل تسنن در فروع مختلف فقهی پرداخته‌اند، همانند نماز پشت سر اهل تسنن، صید و ذباجه و ازدواج با اهل تسنن و...؛ از همین رو نگارنده تلاش نموده است تا با تمرکز بر بحث نماز پشت سر امام جماعت اهل تسنن و ازدواج، مسأله وحدت را به صورت عملی و اجرایی بازگو نماید تا هرگونه شبهه ای پیرامون عدم وحدت با اهل تسنن مطرح می‌شود، رفع گردد.

الف). نماز پشت سر امام جماعت اهل تسنن

علامه حلی در منتهی المطلب می‌گوید که نماز پشت سر اهل تسنن جایز است و سنی بودن سبب فاسق شدن امام جماعت نمی‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۶ - ۲۱۰).

شهید نسبت ثواب نماز جماعت پشت اهل تسنن می‌نویسد:

«أَمَّا الصَّلَاةُ خَلْفَ الْمُخَالَفِ فِيهَا ثَوَابٌ عَظِيمٌ، بَلْ هِيَ أَفْضَلُ وَ أَكْثَرُ ثَوَابًا مِنْ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ»

(شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۱، ۵۸۵).

«نماز خواندن پشت سر اهل تسنن ثواب زیادی دارد به طوری که ثوابش از امام جماعت شیعه

ثوابش بیشتر و با فضیلت‌تر است»

همچنین صاحب حبل المتین (عاملی، ۱۳۹۰، ۲۴۶). و علامه مجلسی (اصفهانی ۱۴۰۴، ۱۵،

۱۱۸). نماز پشت سر اهل تسنن را ممکن می‌دانند. صاحب حدائق براساس روایات مستفیضه نماز

خواندن پشت سر اهل تسنن را استحباب مؤکد می‌داند (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۱، ۷۱). در مقام تبیین و

جمع‌بندی روایات می‌نویسد که فلسفه ثواب نماز جماعت پشت سر سنی‌ها آن است که این کار سبب

نرم شدن قلب‌ها و از بین رفتن دشمنی‌ها می‌شود (همان، ۷۹). خواندن سوره سجده دار از منظر

فقه‌های شیعه جایز نمی‌باشد اما اگر شیعه پشت سر اهل تسنن نماز می‌خواند، از منظر مرحوم نراقی

سبب بطلان نماز نمی‌شود (نراقی، ۱۴۱۵، ۵، ۳۱۶). آیت‌الله مکارم نماز جماعت به اهل تسنن را از

باب حسن معاشرت و جلب محبت و اخوت اسلامی صحیح می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۱، ۴۵۱).

نماز جماعت همواره در متون اسلامی نماد اتحاد و همبستگی میان مسلمانان به شمار می‌رود،

فقه‌ها نیز با تاکید بر این نکته مهم نماز جماعت با اهل تسنن را بخاطر ایجاد محبت و نزدیکی قلبی‌های

مسلمانان و با توجه به روایات ماثوره مستحب مؤکد برشمرده و حتی با تصریح برخی از فقه‌ها ثوابش از

نماز با شیعیان بیشتر است.

ب. ازدواج با اهل تسنن

ازدواج با اهل تسنن یکی دیگر از مسائلی است که نقشی مهم در بروز و ظهور اتحاد مسلمانان

با یکدیگر است. فقه‌ها این مسأله را در ذیل مبحث کفائت در ازدواج مطرح کرده‌اند.

ابن جنید می‌آورد که اسلام در ازدواج کفایت می‌کند و اهل اسلام احترام خورشان با یکدیگر

برابر است (حلی، علامه، ۱۴۱۳، ۷، ۲۹۹). شیخ مفید می‌نویسد که مسلمانان آزاده در نکاح هم کفو

یکدیگر هستند (مفید، ۱۴۱۳، ۵۱۲). از نظر شیخ طوسی منظور از کفائت در ازدواج دو چیز است: ۱.

مومن بودن ۲. توانایی پرداخت نفقه (طوسی، ۱۳۸۷، ۴، ۱۷۸). از نظر ایشان مومنان بعضی از آنها هم

کفو بعض دیگر هستند؛ همانگونه که در خورشان با یکدیگر برابر هستند (همان، ۱۴۰۰، ۴۶۲). ابن

حمزه هم کفو بودن را «ایمان» در دو طرف نکاح دائم، شرط می‌داند (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۲۴۰). ابن‌ادریس ایمان را در مقابل کفر قرار می‌دهد و و منظور از کفایت را ایمان و توانایی بر پرداخت نفقه و خرج خودش می‌داند (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ۲، ۵۷۷).

محقق حلی هم کفو بودن را در نکاح شرط می‌داند و آن عبارت است از تساوی در اسلام. اما در زن شیعه مستحب مؤکد ازدواج با شیعه می‌داند. ازدواج با مرد ناصبی و زن ناصبی را جایز نمی‌داند (حلی محقق، ۱۴۰۸، ۲، ۲۴۳). شهید ثانی در مسالک قول کفایت در اسلام را اصح دانسته و اختیار محقق در شرایع دارای قوت است و از باب احتیاط در فروج، احتیاط را شایسته دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۸، ۴۸۳). از آنجایی که احتیاط بعد از فتوا مطرح شده است، احتیاط شهید، احتیاط مستحب است. صاحب جواهر معنای ایمان در هم کفو بودن را مومن به معنای خاص نمی‌داند؛ بلکه مراد همان اسلام است. از همین در کتب قدما فتوایی از عدم جواز ازدواج زوجه شیعه دوازده امامی با زوج غیر شیعه دیده نشده است (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰، ۹۶). از سویی ازدواج عمر با دختر امیرالمومنین (علیه السلام) و ازدواج عبدالله بن عمر با فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) و خواهرش سکینه با مصعب بن زبیر دیده شده است (همان، ۱۰۱).

نتیجه‌گیری

منظور از وحدت امت اسلامی در اصل یازده قانون اساسی، تکیه نمودن بر مباحث مشترک و پرهیز از دامن زدن به نقاط افتراق می‌باشد تا امت اسلامی زیر پرچم و رهبری واحد، در راستای اعتلای اسلام و قرآن قدم برداشته و در مقابل دشمنان اسلام در صف واحد قرار بگیرند. از سویی دیگر برخی از ناآگاهان به این معنای وحدت و مخالفان تقریب که خود را دلسوز دین اسلام می‌دانند، با دشمنان اسلام هم صدا شده و سعی در ایجاد اختلاف میان امت اسلامی نموده و با نص قرآن و روایات مخالفت نموده و وحدت اسلامی را به صورت دیگری معنا می‌کنند که وحدت امکان پذیر نباشد؛ به این صورت که یا اهل تسنن از عقاید و فقه خود دست کشیده و پیرو مذهب تشیع شوند و یا اینکه شیعیان دست از عقاید و فقه خود بردارند و مذهب و عقاید اهل سنت را بپذیرند و معتقد به ولایت و امامت تنصیصی حضرات ائمه معصومین (علیهم السلام) نباشند و در احکام نیز پیرو یکی از مذاهب اربعه اهل تسنن شوند. بر همین اساس چون امکان تحقق عملی هیچ یک از چنین راه‌های

امکان تحقق ندارد، پس وحدت امت اسلامی امکان پذیر نمی‌باشد. در پاسخ باید گفت: مصلحانی همچون سید جمال اسدآبادی و شیخ محمد شلتوت و آیت الله بروجردی و امام خمینی (قدس سرهم) که منادیان وحدت در جوامع اسلامی می‌باشند، به هیچ عنوان چنین معنایی را از وحدت ارائه ننموده‌اند و مرادشان وحدت سیاسی و اتحاد در برابر دشمن واحد است. با توجه به اشتراک‌های متعدد شیعیان و اهل تسنن، امکان تحقق وحدت اسلامی را به راحتی امکان پذیر می‌نماید. شیعه و سنی دارای مشترکات بسیاری هستند و همه مسلمانان در اصول چندان اختلافی با هم ندارند و غالب جامعه اسلامی فرهنگ، تاریخ و تمدن مشترک دارند. در نتیجه وحدت امکان پذیر است و از نظر فقهی اصل یازده قانون قابل تحقق بوده و مانع فقهی برای تحقق وحدت میان مذاهب وجود ندارد؛ زیرا ادله عقلی و نقلی برای امکان وحدت، همانند کتاب و سنت و عقل و تاریخ وجود دارد. از همین رو در اصل یازده بر وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام تأکید شده است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- ابن‌ادریس، محمد بن منصور بن احمد حلّی (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳- ابن‌بابویه، محمد بن علی، الخصال (۱۳۶۲). جامعه مدرسین. قم.
- ۴- ابن‌عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن‌عاشور. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ۵- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۶- اخگری، محمد جواد (۱۳۸۷). امام موسی صدر و وحدت اسلامی. اندیشه تقریب: شماره ۱۷ (۱۶)

- صفحه از ۹۳ تا ۱۰۸).
- ۷- اصفهانی، مجلسی دوم، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- ۸- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵هـ). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- ۹- امینی نجفی، عبدالحسین (۱۴۱۴). الغدير فی الكتاب و السنة و الادب. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۱۰- بروجردی، آقاسین (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعة (للبروجردی). تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- ۱۱- بزرگی، سیدمهدی (۱۳۸۴). نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت مسلمانان. مجله اندیشه تقریب: شماره ۵.
- ۱۲- بن حمزه، محمد بن علی طوسی. (۱۴۰۸). الوسيلة إلى نيل الفضيلة. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ۱۳- بهرانی، آلعصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۴- بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۵۴). اسلام آیین همبستگی. بعثت: بی تا.
- ۱۵- بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۷). همبستگی مذاهب اسلامی، بحث‌های علمی و اصطلاحی بیست تن از پیشوایان تشیع و تسنن. ترجمه تهران: دانشگاه مذاهب اسلامی.
- ۱۶- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
- ۱۷- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۸- حلّی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۴.
- ۱۹- خمینی، روح‌الله موسوی (۱۳۸۹). صحیفه امام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- ۲۰- دخیل، علی محمدعلی (۱۴۲۲). الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ۲۱- رستگار جویباری، یعسوب‌الدین. حقیقت وحدت در دین و حکمت عید الزهراء علیهاالسلام. بی‌نا: بی‌تا.
- ۲۲- زنجانی، عباس علی عمید (۱۴۲۱). فقه سیاسی (عمید). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۳- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر بالماثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره).
- ۲۴- شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۳۸۶). نهج البلاغه. ترجمه انصاریان، تهران: پیام آزادی.
- ۲۵- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ج ۱۵.
- ۲۶- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۲۱). رسائل الشهدالثانی (ط- الحدیثه). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۲۷- صمیمی، سیدرشید (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی، تقریب مذاهب: کوثر معارف، شماره چهارم، ص ۱۸۷-۲۲۳.
- ۲۸- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌ الأعلمی للمطبوعات.
- ۲۹- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- ۳۰- طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: المکتبه المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
- ۳۱- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۰). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ۳۲- عاملی، بهاء‌الدین، محمدبن حسین (۱۳۹۰). الحبل المتین فی أحكام‌الدین. قم: کتابفروشی بصیرتی.
- ۳۳- عاملی، حسین با عبدالصمد (۱۳۸۷). گفتگوی یک دانشمند شیعی با یک عالم سنی یا مناظره و مباحثه پدر شیخ بهایی. تهران: ترجمه میر سیداحمد روضاتی.
- ۳۴- عبدلی، معصومه، ذکیانی، غلامرضا، محمودنیا، علیرضا، باقری، خسرو (۱۳۹۴). مبنای نظری و روش‌های عملی امام موسی صدر در ایجاد وحدت ملی، فرهنگ در دانشگاه اسلامی. شماره ۴، از صفحه ۵۷۳ تا صفحه ۵۸۶.

- ۳۵- فاضل استرآبادی، محمد، شخصیت و جایگاه علامه حلی (ره). در فقه. مجله فقه اهل بیت، شماره ۹، ص (۱۷۹-۱۹۷)، بی تا.
- ۳۶- فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۰۲). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۳۷- فغانی، رامین، زارعی، محمد مهدی، ابراهیمی، سعید (۱۴۰۰ پاییز). همگرایی مفهوم عدالت فقهی در فقه مذاهب اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال هفدهم، شماره ۶۵.
- ۳۸- قریشی، سیدحسن، اشرفی خیرآبادی، حمید (۱۳۹۴). نبرد چالدران؛ زمینه‌ها پیامدها و قهرمانان فداکار آن. تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۱ از ۳۹ تا ۵.
- ۳۹- القفاری، ناصر بن عبدالله بن علی (۱۴۲۸). مسأله التقرب بین اهل السنه و الشیعه. ریاض: دارطیبه للنشر و التوزیع.
- ۴۰- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- ۴۱- مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی (۱۴۱۴). لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ۴۲- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). امامت و رهبری. تهران: صدرا.
- ۴۳- مفید، محمدبن محمدبن نعمان عکبری (۱۴۱۳). المقنعة (للشیخ المفید). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- ۴۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). القواعد الفقهیة (لمکارم). قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین.
- ۴۵- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: الکتب الإسلامیة.
- ۴۶- مهریزی، مهدی (۱۳۸۹). جریان‌شناسی تقریب مذاهب اسلامی. مجله هفت آسمان، شماره ۴۷ (از صفحه ۵ تا ۲۶).
- ۴۷- نجفی، صاحب الجواهر، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: ۴۳ جلد، دارإحياء التراث العربی.
- ۴۸- النمر، عبدالمنعم (۱۹۸۸). المؤامره علی‌الکعبه من القرامطه الی‌الخمينی. قاهره: مکتبه التراث الاسلامیه، بی‌چا.
- ۴۹- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۶۹). شش مقاله (الغدیر و وحدت اسلامی). تهران: صدرا.

-
- ۵۰- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۸۵). یادداشت‌های استاد مطهری. تهران: صدرا.
- ۵۱- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۷۱). وحدت اسلامی. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.